

تجرباتی

پرورده

آموزش ابتدایی

دوره ۱۶ - شماره ۶

اسفند ۹۱

نوروز در کلاس درس

سعیده طاهری

آموزگار دبستان شهید توانا، ناحیه سه تبریز

علاوه بر تدریس به شیوه معمولی، من سعی می‌کنم هر چند گاه یکبار، برنامه‌هایی را در کلاس اجرا کنم که ضمن جلب توجه دانش‌آموزان به آداب و رسوم و آیین‌های ایرانی - اسلامی، به نوعی به شکل تلفیقی، هدف‌های آموزشی - پرورشی را نیز دنبال می‌کند. برای مثال، هم‌زمان با فرارسیدن عید نوروز، جشنی را در اسفندماه در کلاس درسم برپا می‌کنم. توضیحات مربوط به جشن سال قیل در ادامه ارائه می‌شود.

وسایل مورد نیاز روی صحنه:

نقاشی نگاره‌ی نوروز از روی کتاب «بخوانیم» پایه‌ی اول ابتدایی، تهیه‌ی ماکت سفره‌ی هفت‌سین و نمادهای نوروز و قراردادن آن روی صحنه، تهیه‌ی نقاشی‌ها و ماکت‌های فصل‌ها که به‌عهددهی خودم بوده است. بچه‌ها و خانواده‌ها در مراسم حضور دارند و در آخر نقاشی‌های دانش‌آموزان در مورد آداب و رسوم نوروز جمع‌آوری و در محل برگزاری نصب می‌شود.

فعالیت‌ها:

- * ارائه‌ی کنفرانس یا خواندن شعر و سرود مربوط به فصل بهار و عید نوروز به‌وسیله‌ی دانش‌آموزان؛
 - * آوردن عروسک به‌وسیله‌ی دانش‌آموزان و به حالت نشست‌ه قرار دادن آن‌ها در کنار سفره‌ی هفت‌سین به‌نشانه‌ی حضور در میهمانی عید؛
 - * پوشیدن لباس محلی و گرفتن عکس تک‌ی و جمعی کنار سفره‌ی هفت‌سین؛
 - * تزئین سالن اجتماعات برای زیباتر و باشکوه‌تر کردن مراسم جشن نوروز؛
 - * پذیرایی از دانش‌آموزان و همراهان آن‌ها با میوه و شیرینی که به‌وسیله‌ی اولیا تهیه شده است؛
 - * تقدیم هدیه به‌عنوان عیدی به دانش‌آموزان.
- چند نمونه از عکس‌های مربوط به جشن عید نوروز را در این‌جا می‌بینید.

مراسم جشن عید نوروز کلاس اول ۴ دبستان شهید توانا - تبریز



می‌دانید، عید در راه است...

الهیہ شیرخدا

یادداشتی درباره‌ی وظایف آموزگاران نسبت به خود و دانش‌آموزان در ایام عید نوروز

بستگی دارد؛ ولیکن شخصیت خود دانش‌آموز نیز در برنامه‌ریزی‌های تحصیلی و نحوه‌ی رسیدگی به دروسی که برعهده‌اش است، بی‌تأثیر نیست.

البته باید بگوییم حق با شماست و موارد فوق، هیچ‌کدام در خط و مشی دانش‌آموزان بی‌تأثیر نیست. گاهی برخی از این روش‌ها که موجبات نگرانی معلم‌ها و بعضاً خانواده‌ها را فراهم می‌آورد، لازم است در سایه‌ی حمایت معلم و خانواده اصلاح گردند یا تغییراتی در آن‌ها حاصل شود.

برای ملموس شدن موضوع بحث بهتر است به بررسی چند روش متداول و رایج دانش‌آموزان درباره‌ی انجام دادن تکالیف عید یا به عبارتی تکمیل همان پیک نوروزی معروف بپردازیم.

بعضی از بچه‌ها به محض دریافت پیک نوروزی، به این نیت که خیالشان از بابت تکالیف آسوده گردد و بتوانند تمام مدت از برنامه‌های نوروزی

خود لذت ببرند، در کوتاه‌ترین زمان ظرف کمتر از دو سه روز نسبت به اتمام پیک نوروزی‌شان اقدام می‌کنند و بقیه‌ی تعطیلات را از درس و مفاد درسی دور هستند. برعکس، عده‌ای از

دوازده به اضافه‌ی یک روز تعطیلی که کلی فکر و خیال و کاپوس به جای عیدی تقدیم ما معلم‌ها می‌کند، یک مثال ملموس است. به بیان ساده‌تر باید بگوییم گاهی این تعطیلات مفرح که باید موجبات تجدید قوای معلم‌ها و دانش‌آموزان را فراهم کند و از طرفی نیز فرصتی برای مرور درس‌ها و جبران عقب‌افتادگی‌های احتمالی درسی دانش‌آموزان شود، گاهی نعمتی می‌شود در لباس نعمت و باعث می‌شود تا پیک شادی آن، تأثیرات شگرف مورد نظر را نداشته باشد.

حتماً می‌خواهید بگویید همه‌ی دانش‌آموزان مثل هم نیستند. شیوه و روش انتخابی هر دانش‌آموزی به فرهنگ خانوادگی، تأثیری که وی از محیط و پیرامون خود و یا از هم سن سال‌های خود می‌گیرد و همین‌طور در پاره‌ای موارد نیز بازخوردهای رسانه‌های جمعی

باید مثل من معلم باشید تا دغدغه‌های یک معلم را به معنای واقعی درک کنید. درست است که به فرموده‌ی پیامبر اکرم (ص) «بهشت زیر پای مادران است» اما اگر تعریف از خود و همکارانم نباشد، باید حضور با سعادتتان عرض کنم چندان هم بعید به نظر نمی‌رسد پروردگار قادر متعال چند دانگی از بهشت موعود را هم برای معلم‌های کوشا کنار گذاشته باشد. چون آنان هستند که با برافروختن مشعل خرد باعث روشن کردن جاده‌ی بهشت می‌شوند و حاشا و کلا که بدون رهنمودهای دل‌سوزانه، مسیر خیلی از مسافران بهشت و حتی دانش‌آموزان ممکن است خدای ناکرده، خدای ناکرده یک راست به بیراهه ختم شود.

از همه‌ی این افاضات که بگذریم، برای قشر فرهیخته و غیرتمند فرهنگی اولویت کاری و خیلی وقت‌ها هم اولویت اول غیر کاری، دانش‌آموزان هستند و هیچ موقعیت یا مراسم خاصی هم نیست که این احساس مسئولیت آنان را کم رنگ

کند، حتی روزهای تعطیل. به عبارتی، عید واقعی ما روزهایی نیست که در تقویم به‌عنوان عید ثبت شده است، بلکه آن روزی است که خیل دانش‌آموزان به سرمنزل مقصود برسند و در مسیر کمال گام بردارند. اصلاً راه دور چرا؟ همین عید نوروز خودمان با حدود

پیک شادی



طرح کرامت از نگاه تصویر

منصوره متولی

آموزگار پایه‌ی پنجم دبستان شمس، گرمسار

● واحد کار امیدواری

این فعالیت را به مناسبت شب یلدا اجرا کردیم. در این واحد کار، نمایش شب یلدا اجرا شد. در این نمایش، قصه‌ی پیرمرد و پیرزنی را بیان کردیم که به نوه‌ی خود امید می‌دادند. هم‌چنین، قصه‌ی **شیخ احمد خضری** را خودم در فرصتی مناسب برای دانش‌آموزان گفتم.



● واحد کار آزادگی

در این واحد کار، دانش‌آموزان در مورد شجاعت **امام حسین (ع)** و یارانش در صحرای کربلا نقاشی گروهی کشیدند و احساس خود را در قالب نقاشی بیان کردند. هدف از اجرای این واحد کار، علاوه بر ایجاد حس عاطفی و علاقه‌مندی به امام حسین (ع)، آموزش تعامل گروهی بود.



دانش‌آموزان هم آن قدر سرگرم دید و بازدید و سفر و دیگر برنامه‌های مفرح عید هستند که در شب‌های آخر تعطیلات یاد پیک نوروزی می‌افتند و باز با وجود وقفه‌ی طولانی ظرف دو سه روز باقی‌مانده به انجام دادن تکالیف خود می‌پردازند. در این میان عده‌ی اندکی از دانش‌آموزان هستند که با برنامه‌ای مدون نظارت والدین و تقسیم‌بندی وظایف، هر روز تکالیف خاص آن روز را انجام می‌دهند. تازه در این میان استثناهایی نیز هست. گاهی دانش‌آموزان برای انجام دادن پیک نوروزی خود دست به دامان اهالی مهربان خانه می‌شوند و خواهر و برادران بزرگ‌تر و گاهی هم والدین (شاید هم برای زنده شدن خاطرات دوران کودکی یا محک زدن توان و دانش خود همانند گول چراغ جادو) را به کمک طلبیده، در طرفه‌العینی به تکمیل پیک شادی می‌پردازند.

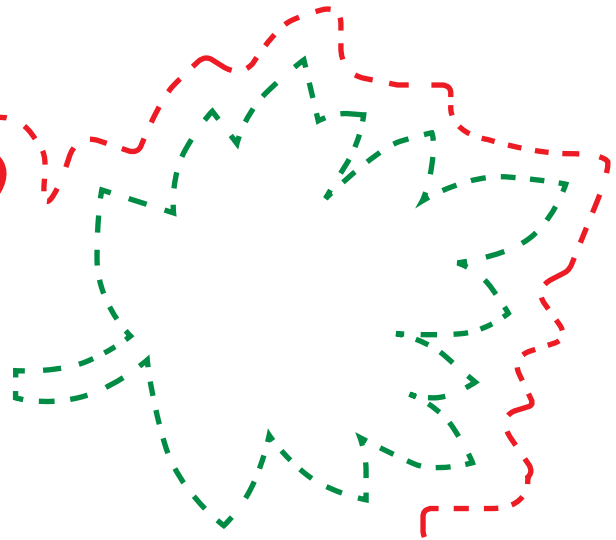
حال بگذارید کمی هم به دغدغه‌های بعد از تعطیلات بپردازیم. ناگفته نیک پیداست که پس از اتمام تعطیلات و برگشت دانش‌آموزان چه اتفاقی برای اکثر آنان افتاده است. در خوش‌بینانه‌ترین حالتش اگر نخواهیم بگوییم کل آموخته‌های آن‌ها طی تعطیلات، از ذهن مبارکشان پریده است یا به اصطلاح رایج در رایانه «ریست» شده است، باید بگوییم برای حل این معضل بایست کلی وقت صرف کرد تا بتوان اطلاعات قبل از تعطیلات را برای این دسته از دانش‌آموزان یادآوری کرد.

اکنون با همه‌ی این‌ها شما نیز به این نتیجه رسیده‌اید که این دغدغه‌ها نیاز به سر و سامان دارند. خوب است که از همین امروز معلمان دل‌سوز را همراهی کرد و با آموزش اصولی به دانش‌آموزان و اطلاع‌رسانی جامع به اولیای آنان در نهادینه کردن درست مطالعه، زمان‌بندی دقیق و رعایت فاصله‌ی زمانی مناسب برای تمرین و یادآوری مطالب گام مثبتی در اعتلا و رشد دانش‌آموزان و هم‌چنین به دنبال آن تقویت نظام آموزشی گام بلندی بردارید. باشد که خداوند جهانیان، بخشی از بهشت را نیز به کسانی که در این راه گام برمی‌دارند، اعطا فرماید. ان شاء الله.

گردش قورباغه در مرداب

فرشته صیاد فتحی

آموزگار دبستان کمیل لنگرود- گیلان



تذکر: بهتر است تهیه‌ی طرح و نقشه‌ی مرداب و برگ - که چندان هزینه‌بردار نیست - به وسیله‌ی آموزگار انجام شود.

یک بازی برای تبدیل الگوی هندسی به عددی برای آموزش شمارش چندتایی در کتاب ریاضی اول



یکی از مباحثی که در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ به آن توجه شده، تبدیل الگوی هندسی به عددی برای شمارش چندتایی ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ است. من برای آموزش این مبحث یک بازی ساده تدارک دیده‌ام که با نوشتن و معرفی آن امیدوارم به سایر همکارانم کمکی کرده باشم.

وسایل مورد نیاز:

- کاغذ ۳۰×۳۰ طراحی مرداب و برگ روی آن از عدد یک تا ۵۰ به صورت ماریپچ و به تعداد گروه‌های کلاس شماره‌گذاری شده است؛
- قورباغه‌ی عروسکی کوچک، به تعداد سرگروه‌های کلاس.

مراحل اجرای بازی:

ابتدا دانش‌آموزان را به گروه‌های سه‌نفره تقسیم می‌کنیم.

با صدای سوت داور (آموزگار) قورباغه‌ها روی خط شروع قرار می‌گیرند و با صدای سوت دوم، پرش شماره‌ای خود را شروع می‌کنند. پرواز به شماره‌ی هفت را یک نفر از گروه روی ورقه یادداشت می‌کند. در گروه بچه‌ها با هم همکاری می‌کنند و پرواز ۷ تا ۷ تا قورباغه به وسیله‌ی یکی دیگر از اعضای گروه انجام می‌شود و نفر بعدی آن را یادداشت می‌کند. هر گروهی که زودتر به خط پایان رسید، به شرطی که به شکل زیر درست نوشته باشد، برنده است.

۴۹-۴۲-۳۵-۲۸-۲۱-۱۴-۷

بازی به پایان می‌رسد و گروه برنده کارش را برای دیگر گروه‌ها توضیح می‌دهد. به این ترتیب، پرش هفت‌تایی قورباغه با ایجاد شادی و نشاط در میان دانش‌آموزان می‌توان آن‌ها را زودتر به هدف آموزشی خود برساند.



این بازی برای تدریس درس شمارش چندتایی در صفحه‌ی ۱۵۳ کتاب ریاضی اول مناسب است.



تصویرخوانی در تاریخ

راحله توکلی یرکی

کارشناس آموزش ابتدایی و آموزگار، تهران

تدریس تاریخ کلاس پنجم، به دلیل سخت و خشک بودن مطالب، اندکی مشکل است. برای جذاب‌تر کردن این درس از دانش‌آموزان خواستم در گروه‌های سه یا چهار نفره درسی را انتخاب کنند و سپس خلاصه‌ی آن را به صورت تصویر (تصویر یک پارچه، تصویرهای دو تایی، تصویرهای چندتایی و حتی کمیک استریپ) بکشند. به این گونه است که بعد از آماده شدن تصاویر و برای یادآوری بهتر درس‌ها و به‌خاطر سپردن مفاهیم مطرح شده در آن‌ها، با استفاده از تکنیک تصویرخوانی فعالیت آموزشی خودمان را استمرار می‌دهیم.

این روش نه تنها روحیه‌ی کار جمعی را در بچه‌ها تقویت می‌کند بلکه با جلب مشارکت آن‌ها در تصویرخوانی، باعث جذابیت بیشتر کلاس تاریخ می‌شود.

اشرف اشراقی

آموزگار دبستان شهیدغریبی، شاهرود

یک وسیله‌ی دیگر برای کاربرد جدول انگیز

نام وسیله: پازل اعداد (۹-۱)

اهداف: راهبرد حل مسئله، آزمایش و خطا، انجام فعالیت

طریقه‌ی استفاده: جدول‌های

شگفت‌انگیز به‌طور مکرر در کتاب جدیدالتألیف ریاضی پایه‌ی اول چاپ شده است. برای تنوع و انجام دادن این فعالیت به طراحی جدول شگفت‌انگیزی با عنوان «پازل اعداد» (۹ تا ۱) پرداختم. در انجام دادن این فعالیت افراد باید ابتدا خانه‌های یک مجهولی را با توجه به چیش عدد‌ها در مربع‌های بزرگ کامل کنند. سپس با استفاده از شیوه‌ی آزمایش و خطا به تکمیل مجهولات دیگر در مربع‌ها بپردازند. اجرای این فعالیت در کلاس موجب افزایش نشاط و هیجان در دانش‌آموزان می‌شود.

گفتنی است که این جدول روی یک ورق فلزی به ابعاد ۲۵ × ۲۵ سانتی‌متر چسبانده شده و همچنین در پشت اعدادی که باید جای‌گزین شوند، از آهن‌ریا استفاده شده است.



قصه‌های یک کلاس اولی به قلم یک معلم کلاس اولی - ۴

موش‌ها در آب خوری مدرسه

سعیده اصلاحی

آموزگار دبستان شهید آیت‌الله مدنی، منطقه ۱۵ تهران

موش رو دیده بودم! اون وقت الان به جای اون، من تو بغل خانم بودم». توی همین فکرها بودم که خانم معلم ما را به طرف سایه‌ی درختان کهن سال گوشه‌ی حیاط برد و لبخندزنان از روشنا پرسید: «خب، خانومی، حالا آروم به من بگو آقاموشه رو کجا دیدی؟»
روشنا اخم کرد و با بغض گفت: «ندیدمش که؟»
خانم با تعجب پرسید: «ندیدی؟ پس واسه چی ترسیدی؟ چرا گریه کردی عزیزکم؟»

روشنا بریده بریده گفت: «من و مریم... داشتیم دستامونو می‌شستیم، دیدم یکی از دندونای جلوش نیس... گفتم مریم دندونت کو؟ گفت موش خورده، من خندیدم، اونم بهم گفت آکه به من بخندی، ممکنه همین روزا دندون تو رو هم موش بخوره.» بعد پای راستش را محکم به زمین کوبید و با گریه گفت: «خانم اجازه، من نمی‌خوام موش بیاد و دندون منو بخوره... من از موش بدم میاد...»
خانم معلم روشنا را محکم در آغوش گرفت و گفت: «من به شما و همه‌ی دخترای کلم اطمینان می‌دم هیچ موشی سراغ دندوناتون نمیداد... الان زنگ تفریح، همه برین لقمه‌هاتونو بخورین. وقتی رفتیم سر کلاس، راجع بهش با هم صحبت می‌کنیم.»
زنگ تفریح ما به طرح ده‌ها سؤال گذشت. وقتی وارد کلاس شدیم، بی صبرانه منتظر آمدن آموزگار خود بودیم.

با صدای سوت خانم معلم، وسایل ورزشی را یکی‌یکی به اتاق ورزش بردیم و رفتیم سر صف. معمولاً ده دقیقه مانده به زنگ تفریح، خانم معلم همه‌ی ما را با صف و منظم به سمت آب‌خوری می‌برد تا دست‌هایمان را با آب و مایع دست‌شویی بشوییم و بعد مشغول خوردن خوراکی‌هایمان شویم.
جلوی آب‌خوری، همین که دستم را زیر شیر آب بردم، یکی از بچه‌ها از پشت دیوار آب‌خوری جیغ زد: «موش... موش!...» و بعد صدای گریه‌ی کش‌دارش همه‌ی ما را به آن سو کشاند.

روشنا هم کلاسی کوچولو و بامزه‌ی ما، خیره به آینه‌ی روی دیوار نگاه می‌کرد، جیغ می‌زد و اشک می‌ریخت، دست‌هایش کف مالی و مقنع‌اش کج و کوله بود. چند تا از بچه‌ها به طرف خانم معلم دویدند و نفس‌زنان شروع کردند به دادن گزارش: «اجازه خانم، روشنا موش دیده... خانم فکر کنیم دست‌شویی موش داره... خانم اجازه، روشنا تو آینه موش دیده...!»

خانم معلم بچه‌ها را آرام کرد و با خنده گفت: «شانس آوردیم ازدها ندیده!» بچه‌ها زنده زیر خنده و خانم، روشنا را که هنوز هق‌هق می‌کرد در آغوش گرفت و گفت: «کوجولوی من... مگه موش ترس داره؟» بعد شیر آب را باز کرد، دست و صورت روشنا را شست، مقنع‌اش را برداشت و موهایش را با مهربانی شانه کرد و سپس مقنعه را سرش گذاشت و او را بوسید.
یاد مادرم افتادم و با خودم گفتم: «خوش به حال روشنا، کاش من زودتر از او

یک ایران بیشتر نداریم!

مهدی معافی

آموزگار پایه‌ی اول دبستان رسالت، روستای رنگی کلای دابو

پیش از این که نماد شماره‌ی یک ریاضی پایه‌ی اول را تدریس کنم، درباره‌ی مفهوم آن توضیح دادم و پرسیدم: «بچه‌های من، می‌توانید چیزهایی را نام ببرید که در دنیا فقط یکی باشد و بس؟». هنوز حرفم تمام نشده بود که چند نفر سریع گفتند: «خدا، خدا، خدا.»
گفتم: «آفرین، درست است، دیگر چه داریم؟» یکی گفت خورشید، دیگری گفت ماه. وقتی دیدم ساکت شدند، گفتم: «خانه‌ی خدا. بچه‌ها باز هم فکر کنید.» زینب گفت: «یک پدر داریم. یک مادر داریم.» پس از آن چند نفر به مواردی مثل خانه، معلم، مدرسه و... اشاره کردند. گفتم: «نه، این‌ها نمی‌شوند، چیزی را بگویید که فقط یکی در این دنیا باشد و بس.»

کلاس به تفکری عمیق - همانی که همیشه آن را ستوده‌ام - فرو رفت. ناگهان ساجده گفت: «آقا معلم، ایران! یک ایران بیشتر نداریم!» عجب لحظه‌ای بود. واقعاً به وجد آمدم. متأثر شده بودم، حسابی تشویقش کردم. راست می‌گفت؛ مگر یک ایران بیشتر داریم؟ کلی برای آن‌ها حرف زدم، از ایران، از سرمایه‌های خدادادی‌اش، از زیبایی‌هایش، از حماسه‌هایش و از تاریخش؛ به زبان آن‌ها برایشان گفتم و کلامم را با این جمله به پایان بردم که برای آبادانی ایرانمان تلاش کنیم و قدرش را بدانیم. در پایان کلاس، بچه‌ها دست‌های کوچکشان را روی هم گذاشتند و با هم پیمان بستند که همیشه به کشورشان عاشقانه خدمت کنند.

داشتن دندان‌ها را پرسید. آن روز فهمیدیم که: «استفاده‌ی مرتب و صحیح از مسواک، کم مصرف کردن شیرینی و شکلات، نخوردن غذای خیلی سرد یا خیلی گرم و مراجعه‌ی به موقع به دندان پزشک ما را از شر «موش خوردگی» نجات می‌دهد.»



بالاخره خانم معلم آمد و گفت وگو شروع شد. خانم هر سؤالی را با طرح چندین سؤال دیگر جواب می‌داد تا ما با تلاش و تفکر به نتیجه برسیم. آن روز هم با لیخندی مهربان روی سکو ایستاد و از ما پرسید: «بچه‌ها کی تا حالا شنیده یا توی فیلمی دیده که موش دندان بخوره؟»

ما تقریباً همه با هم و یک‌صدا گفتیم: «ما ندیدیم... ما نشنیدیم خانم...» و او دوباره پرسید: «خب اگه موش دندان نمی‌خوره، پس چی می‌خوره؟» ناگهان اطلاعات ما فوران کرد و درهم و برهم جواب دادیم: «خانم اجازه: گردو... پنیر... نون... ذرت... و سمانه از ته کلاس، بلند گفت: «اجازه، موش کاغذ هم می‌خوره.» دست خانم به علامت سکوت بالا رفت و لیخند روی لبش پررنگ‌تر شد. بعد گفت: «احسنت به شما گل‌های کلاس، موش یک حیوان جونده‌ست و خوراکش غلات و دانه‌هاست مثل گردو... فندق... ذرت به قول سمانه سراغ جویدن کاغذ هم می‌ره و اما رابطه‌اش با دندان چیه؟ چرا بعضی‌ها می‌گن: فالانی دندان تو رو موش خورده؟ آیا واقعاً موش میاد و دندان کسی رو می‌خوره؟»

بعد مکتی کرد و ادامه داد: «بچه‌ها اگه من بگم مریم زمین خورد، این یعنی مریم زمین رو خورده؟» همه زدیم زیر خنده و خانم لیخندزان گفت: «این یه اصطلاحه، این جمله‌ها یه جور شوخی هستند و ما معنی شونو می‌دونیم و از شنیدنشون تعجب نمی‌کنیم. شما دختری گل من هفت ساله هستین، دنونای شیری شما توی این سن کم لق می‌شن و می‌افتن. بعدش به جای اون‌ها دنون‌های دائمی و همیشگی درمیاد که باید خیلی مراقبشون باشیم و با رعایت بهداشت دهان و دندان عمر دنونامونو طولانی‌تر کنیم.»

پس اگر کسی دندان شیریش لق شد و افتاد، ممکنه از بقیه بشنوه که: «دندان تو رو موش خورده؟» و شما گلای قشنگ من می‌دونین که این جمله فقط یه شوخیه... همین. خب حالا هر کسی که بلده چی کار کنه تا دنوناشو موش نخوره، دستش بالا...»

انگشت‌های اشاره‌ی ما بچه‌ها بالا رفت و خانم یکی‌یکی از ما راه سالم نگه

یک بازی برای آموزش ساعت

زهرا هاشمی

آموزگار منطقه‌ی بوبین میاندشت، اصفهان

دایره‌ای به شعاع پنج متر روی زمین ترسیم می‌کنیم و شماره‌های ۳، ۶، ۹ و ۱۲ را در محل‌های مربوط هم‌چون صفحه‌های ساعت می‌نویسیم. بچه‌ها را به گروه‌های چهار نفری تقسیم می‌کنیم و هر گروه روبه‌روی اعداد می‌ایستند. پس از شرح بازی، مربی به‌طور ناگهانی یکی از کلمه‌های ربع، سه ربع و نیم ساعت را به زبان می‌آورد. بچه‌ها در جهت عقربه‌های ساعت و به میزان زمان مورد نظر تغییر جا می‌دهند و گروهی که زودتر در محل جدید مستقر شود، امتیاز کسب می‌کند.

برای جذاب‌تر شدن بازی می‌توان از ساعت‌های بیشتری استفاده کرد و عددهای دیگر را هم نوشت.

توجه کنید که در حین بازی، ورود به داخل دایره مجاز نیست و گروهی که بیشترین امتیاز را کسب کند، برنده‌ی بازی است.



معلمان در مورد ارزش‌یابی توصیفی چه می‌گویند؟



دکتر مهدی دوانی

دکتر علیرضا عصاره

قدسی لایق

عنوان پژوهش: بررسی تأثیر عملکرد طرح ارزش‌یابی توصیفی از منظر معلمان پایه‌ی اول تا سوم ابتدایی در مدارس ابتدایی منطقه‌ی سه آموزش و پرورش شهر تهران در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰

کلیدواژه‌ها: ارزش‌یابی توصیفی، فرایند یادگیری، بازخورد

سراغاز

با توجه به مطالعات انجام شده و تجربه‌های موجود در کشورهای پیشرفته، نظام ارزش‌یابی در دوران ابتدایی متحول شده و طبق مصوبه‌ی شورای عالی آموزش و پرورش به شکل پلکانی در کلیه‌ی مدارس کشور به اجرا درآمده است. اکنون این شیوه در پایه‌های اول، دوم و سوم ابتدایی در حال اجراست. دست‌یابی به اهداف موردنظر این روش مبتنی بر عوامل مختلفی خواهد بود که یکی از مهم‌ترین آن‌ها نگرش و دیدگاه مجریان مستقیم آن است. اگر مجری نظر مثبتی بر این روش نداشته باشد یا در مسیر اجرای آن با مشکلاتی مواجه گردد، در پشت سر گذاشتن مشکلات شکست می‌خورد و خودبه‌خود انگیزه، دقت و حساسیت خود را در رسیدن به اهداف والای آن از دست خواهد داد. بنابراین به‌منظور بررسی میزان موفقیت طرح ارزش‌یابی توصیفی (پس از اجرای آن در سال‌های اخیر) تصمیم گرفته شد تأثیر طرح از منظر معلمان پایه‌های اول تا سوم ابتدایی در ارتباط با شناخت استعداد‌های دانش‌آموزان، بهبود فرایند یادگیری و دشواری عملکرد آموزگاران در مدارس ابتدایی منطقه‌ی سه آموزش و پرورش تهران مورد ارزیابی قرار گیرد.

سؤال‌ها و روش تحقیق

در این پژوهش، سؤالات زیر مطرح گردید.

۱. آیا طرح ارزش‌یابی توصیفی در شناخت استعدادهای دانش‌آموزان تأثیر دارد؟
 ۲. آیا طرح ارزش‌یابی توصیفی، فرایند یادگیری دانش‌آموزان را بهبود می‌بخشد؟
 ۳. آیا طرح ارزش‌یابی توصیفی، عملکرد معلمان را دشوارتر می‌کند؟
- در این تحقیق تعداد ۱۲۰ پرسش‌نامه به‌صورت نمونه‌گیری تصادفی میان معلمان مدارس ابتدایی دولتی منطقه‌ی سه شهر تهران توزیع شد و در نهایت ۱۰۰ نمونه از پرسش‌نامه‌ها جمع‌آوری گردید. این پرسش‌نامه در سه محور «شناخت

استعدادهای دانش‌آموزان»، «بهبود فرایند یادگیری دانش‌آموزان» و «بهبود عملکرد معلمان» تنظیم شده بود.

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی سؤال اول پژوهش نشان داد که معلمان مجری در طرح ارزش‌یابی توصیفی، شناخت استعدادهای دانش‌آموزان را بالاتر از حد متوسط برآورد کرده‌اند. از دیدگاه معلمان، تأثیر طرح ارزش‌یابی توصیفی بر شهامت دانش‌آموزان در بروز توانایی‌های آن‌ها، بیشتر و بر قضاوت صحیح اولیای دانش‌آموزان نسبت به عملکرد واقعی فرزندشان کمتر بوده است. این پاسخ نشان‌دهنده‌ی این است که لازم است تمهیدات

بیشتری برای آگاهی بیشتر اولیای دانش‌آموزان و آشنایی آن‌ها با این طرح اندیشیده شود. نتایج به‌دست آمده در این مطالعه نشان‌دهنده‌ی آن است که در صورت تأمین امکانات و شرایط لازم، همراه با اطلاع‌رسانی و برگزاری جلسات توجیهی برای والدین و مربیان و گرفتن بازخورد از اجرای آن‌ها، امکان تغییر نگرش معلمان به‌دلیل حصول نتایج بهتر از اجرای طرح ارزش‌یابی توصیفی دور از انتظار نیست.

بررسی سؤال دوم پژوهش نشان می‌دهد که آزمودنی‌ها، طرح تأثیر ارزش‌یابی توصیفی را بر فرایند یادگیری دانش‌آموزان، از دیدگاه معلمان متوسط برآورد کرده‌اند. به این شکل که تأثیر طرح ارزش‌یابی توصیفی بر تغییر نگرش دانش‌آموزان از نمره‌گرایی به یادگیری

این چهار نکته را به یاد بسپاریم...

گزیده‌ی چهار فراز از سخنان تربیتی استاد شهید مطهری

انتخاب: فریبا مؤیدنیا

کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، خوی

● اسلام همیشه دم از حیات و زندگی می‌زند و در حقیقت به آن نوع زندگی دعوت می‌کند که سرشار از دانایی و توانایی است. برنامه‌ی اسلام برنامه‌ی دانایی و توانایی و حرکت است. اسلام دین حیات است و حیات با بی‌خبری و ناتوانی و عجز و ضعف ناسازگار است.^۱

● تربیت به‌طور کلی با صنعت فرق دارد که از همین فرق، انسان می‌تواند جهت تربیت را بشناسد. صنعت عبارت است از ساختن، به معنی این که شیء یا اشیایی را تحت پیراستن‌ها و آراستن‌ها قرار می‌دهند ولی تربیت، عبارت است از پرورش دادن، یعنی به فعلیت درآوردن استعدادهای درونی که در یک شیء هست و از همین جا معلوم می‌شود که تربیت باید تابع و پیرو فطرت باشد.^۲

● راه مبارزه با خطر نفوذ و نشر اندیشه‌های بیگانه، تحریم و منع نیست. مگر می‌شود تشنگانی را که برای جرعه‌ای آب لاله می‌زنند، از نوشیدن آب موجود به عذر این که آلوده است، منع کرد؟ این ما هستیم که مسئولیم. به قدر کافی در زمینه‌های مختلف اسلامی کتاب به زبان روز عرضه نکرده‌ایم. راه مبارزه با تهاجم فرهنگی، عرضه داشتن صحیح مکتب اسلام در همه‌ی زمینه‌ها و به زبان روز است.^۳

● یکی از علل عدم موفقیت در تزکیه‌ی نفس، این است که تعلیم اخلاقی در میان ما به صورت تعلیم و تدریس وجود دارد و نه به صورت سازندگی و درمانگری.^۴

پی‌نوشت

۱. از رساله‌ی احیای اندیشه‌ی اسلامی، برگرفته از سخن‌رانی استاد به مناسبت بزرگداشت علامه اقبال لاهوری در اردیبهشت‌ماه ۱۳۴۹
۲. کتاب تعلیم و تربیت در اسلام، نوشته‌ی استاد مطهری، صفحه‌ی ۳۳
۳. رساله‌ی نهضت‌های اسلامی در صد ساله‌ی اخیر از استاد مطهری
۴. یادداشت‌های دفتر ۸۹ استاد مطهری

بیشتر و بر یادگیری سریع‌تر دانش‌آموزان کمتر بوده است.

نتایج به‌دست آمده در این تحقیق در بخش تغییر نگرش دانش‌آموزان از نمره‌گرایی بر یادگیری بیشتر بوده است و با مطالعات انجام‌شده‌ی قبلی هماهنگی نشان می‌دهند. همچنین در این بررسی تأثیر طرح بر سرعت یادگیری کمتر بوده است. این نکته در خور توجه است که در بحث یادگیری کیفیت و میزان یادگیری بر پایداری و تعمیق آن اثر بیشتری دارد ولی سرعت در یادگیری نشان‌دهنده‌ی استفاده از قدرت حافظه و چه بسا سطحی‌تر بودن آن است و الزاماً نشان‌دهنده‌ی افزایش سطح یادگیری نیست. لذا نتایج حاصل از این پژوهش با اهداف طرح ارزش‌یابی توصیفی هم‌خوانی نسبی دارد. ضمناً به‌نظر می‌رسد که آموزش بیشتر مربیان و مجریان طرح و اصلاح فرایندهای برنامه‌ریزی درسی به موازات ارزش‌یابی توصیفی، می‌تواند در ارتقای این شاخص نقش مؤثری ایفا کند.

بررسی سؤال سوم نشان می‌دهد که آزمودنی‌ها، تأثیر ارزش‌یابی توصیفی بر بهبود عملکرد معلمان را از منظر معلمان دخیل در اجرای طرح، کمی بیشتر از حد متوسط برآورد کرده‌اند.

تأثیر طرح ارزش‌یابی توصیفی بر هماهنگی با ارزش‌یابی مستمر و فرایندی بیشتر و بر کسب آگاهی‌ها و تجربیات جدید معلمان کمتر بوده است.

به‌نظر می‌رسد که مسئولان و مدیران دست‌اندرکار آموزش باید با طراحی برنامه‌های آموزشی کاربردی و تخصصی، معلمان را در دست‌یابی بهتر و بیشتر به این هدف‌ها آشنا سازند و موجب بهبود عملکرد این طرح در رابطه با این شاخص‌ها شوند.

با توجه به نتایج حاصله بر تأثیر فرایند بازخورد بر بهبود عملکرد معلمان، می‌توان گفت یکی از نکاتی که در ارزش‌یابی مستمر توصیفی نیز به‌عنوان عامل مؤثر و مطلوب عنوان شده، گرفتن بازخورد و داشتن پوشه‌ی کار برای دانش‌آموزان است. این موضوع می‌تواند در صورت آموزش بهتر معلمان در دوره‌های ضمن خدمت، تأثیر مطلوب‌تری در بهبود عملکرد آن‌ها داشته باشد. با توجه به هماهنگی نسبی نتایج این پژوهش با هدف طرح، توصیه می‌شود برای اجرای بهتر آن، دوره‌های آموزش ضمن خدمت آموزگاران در این زمینه برگزار و برای اخذ نتایج مطلوب‌تر، از تعداد دانش‌آموزان در کلاس‌های تحت اجرای طرح ارزش‌یابی توصیفی کاسته شود.

پی‌نوشت

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
۲. استادیار دانشگاه شهید رجایی.
۳. کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

انجمن کودکان ریاضی دان در کلاس من!

اعظم زارع

آموزگار و دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، قم



هم‌چنین در وقت‌های آزاد خود، با هم‌فکری یکدیگر فعالیت‌های عملکردی طرح می‌کردند؛ مثلاً خلق یک منظره‌ی زیبا با استفاده از شکل‌های هندسی.

نمونه‌ای از تصاویر انجمن کودکان ریاضی دان



همکاری اعضای انجمن برای طرح فعالیت عملکردی

گاهی در یکی از زنگ‌های ریاضی از اعضای انجمن می‌خواستیم با همکاری افراد گروه خود، دو سؤال طرح کنند. پس از بررسی، در جلسه‌ی بعد آن را به گروه‌های دیگر می‌دادند تا به‌صورت گروهی به سؤالات پاسخ دهند. تصحیح این آزمون نیز به‌وسیله‌ی اعضای انجمن انجام می‌شد.



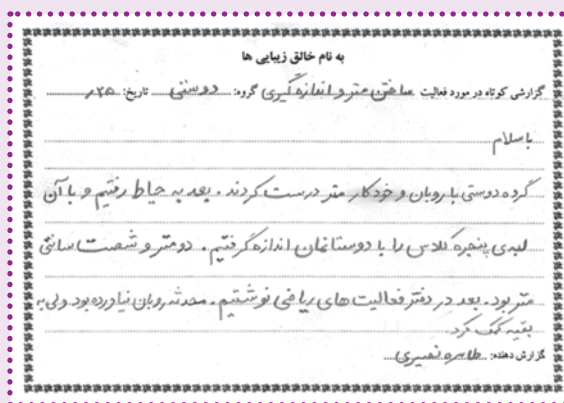
طرح سؤال با همکاری اعضای گروه
نمونه‌ای از فعالیت‌های انجام شده به‌وسیله‌ی اعضای انجمن

برورور و همکاران (۲۰۰۱) معتقدند که در عصر فناوری، بازنگری در شیوه‌های سنتی تدریس و جای‌گزینی آن‌ها با شیوه‌های نوین، ضرورت دارد. بر این اساس و به‌منظور پرورش دقت، خلاقیت و ایجاد علاقه‌ی بیشتر دانش‌آموزان نسبت به انجام دادن صحیح فعالیت‌های درس ریاضی، «انجمن کودکان ریاضی‌دان» را تشکیل دادیم. بدین شکل که قراردادی با شاخص‌های معین تنظیم کردیم. سپس دانش‌آموزان علاقه‌مند به درس ریاضی را انتخاب کردیم و هر یک از مفاد قرارداد را به آن‌ها توضیح دادیم. علاقه‌مندان نیز پس از پذیرش، آن را امضا کردند. مواد شش‌گانه‌ی این قرارداد را در تصویر شماره‌ی ۱ می‌توانید ببینید.



تصویر شماره ۱. قرارداد انجمن کودکان ریاضی دان

طبق این قرارداد، اعضای انجمن به‌نحوی انجام دادن فعالیت گروه‌ها توجه داشته و در صورت نیاز، به آن‌ها کمک می‌کردند. علاوه‌بر این، گزارش کوتاهی تهیه می‌کردند و به آموزگار ارائه می‌دادند. نمونه‌ای از گزارش‌ها را در تصویر شماره‌ی ۲ می‌بینید.



تصویر شماره ۲. نمونه‌ای از گزارش فعالیت گروه‌ها



تصویرگر: لیدامعتمد



تصویر شماره ۵. پوستر تبلیغاتی

نمونه‌ای از آزمون طراحی شده توسط گروه‌ها را در تصویر شماره ۳ می‌بینید.

به نام خدای مهربانی ما

آزمون مداد - کاتالی دانش آموزان پایه دوم نوسن ۳
تهیه و تنظیم: گروه شادی

دوستان عزیزم! جدول زیر را کامل کنید.

بهار شدن از خواب	خوردن میوه	ورود به مدرسه	زیگ فرج اول	خروج از مدرسه	انجام دادن تکالیف	خواندن کتاب داستان
۷:۰۰ صبح	۷:۱۰ صبح	۷:۴۵ صبح	۸:۰۰ صبح	۱۶:۴۰ عصر	۱۵:۴۵ عصر	۱۸:۱۵ عصر

۲. دوستان عزیز! لطفاً در درس روزانه و درس زیارت کتاب فارسی کلماتی که را حرف مصحح ج و حرفه پیدا کرده و جدول زیر را کامل کنید.

نام درس	کلمه‌هایی که مصحح ج و حرفه	تعداد کلمه‌هایی مورد نظر	نوع باره
سوره الفاتحه	بناختی - بنامه	۲	نوع
تربیت	دعا - رحمت - توبه	۳	فرد
	کل	۵	فرد

موفق باشید

سایه دهنی گن گن گروه نشاط

تصویر شماره ۳. نمونه‌ای از آزمون طرح شده توسط گروه‌ها

بررسی سؤالات آزمون‌هایی که طراح و مصحح آن خودم بودم و تکمیل فرم ارزیابی مربوط به هر گروه، وظیفه‌ی دیگر اعضای انجمن بود. با استفاده از این فرم، می‌توانستم فعالیت‌های بعدی را به‌خوبی تعیین کنم. مثلاً اگر نیمی از کل دانش‌آموزان کلاس به تمرین ساعت پاسخ نادرست داده بودند، فعالیت بعدی را مرتبط با ساعت در نظر می‌گرفتم. در غیر این صورت، فقط برای دانش‌آموزانی که در مفهوم مورد نظر مشکل داشتند، فعالیتی مرتبط ارائه می‌شد. بنابراین، شایسته بود برای تعیین تکلیف و فعالیت‌ها، به تفاوت‌های فردی و نیاز دانش‌آموزان دقت کنم. نمونه‌ای از برگه‌های ارزیابی آزمون‌ها را در تصویر شماره ۴ می‌بینید.

بررسی آزمون مداد - کاتالی دانش آموزان پایه دوم نوسن ۳
تاریخ: ۱۳۹۵/۰۱/۲۵
گروه: صبا

(کامل بودن پاسخ: + / ناقص بودن پاسخ: - / بدون پاسخ: -)

ردیف	نام و نام خانوادگی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	فاطمه بلخی	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
۲	نگار طینانی	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
۳	نیکن دانشی	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
۴	ملیکا صادقی	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
۵	هانیه رسولی	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+

بررسی کننده: هانا نیر رسولی
ملیکا صادقی نایب بر سرین برشتری دارد.

تصویر شماره ۴. نمونه‌ای از برگه‌ی ارزیابی آزمون

هم‌چنین، از اعضای انجمن خواستیم که هر کدام برای معرفی خود به‌عنوان «آموزگار افتخاری» یک پوستر تبلیغاتی (آگهی) تهیه کند. آن‌ها می‌بایست پوسترها را روی دیوار سالن نصب کنند تا تمامی دانش‌آموزان پایه‌ی دوم آموزشگاه بتوانند در صورت نیاز به آنان مراجعه کنند. البته خود نیز بر فعالیت آن‌ها نظارت داشتم تا هم دچار غرور نشوند هم از دیگر درس‌ها عقب نمانند. (تصویر شماره ۵).

اجرای این طرح باعث افزایش تعداد علاقه‌مندان به درس ریاضی و تعداد اعضای انجمن کودکان ریاضی دان شد. هم‌چنین مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های گوناگون ریاضی، علاوه‌بر تعمیق یادگیری آنان، موجب افزایش اعتماد به نفس آن‌ها و تقویت خودپنداره‌ی مثبت و ارتقای توانایی فراگیرندگان در انجام دادن فعالیت‌های گوناگون نیز شده بود.

منابع

۱. بسروور، ای دیلیسو، دوژونج، ژ.ا. و استوت، و.ژ. (۲۰۰۱). به سوی یادگیری بر خط (الکترونیکی)، گذر از تدریس سنتی و راهبردی ارتباطی آن. مترجمان: فریده مشایخ و علی بازگان. تهران: مؤسسه‌ی انتشارات آگاه، ۱۳۸۳.
۲. زارع، اعظم. راهکارهای افزایش علاقه‌مندی دانش‌آموزان پایه‌ی دوم به درس ریاضی و فعالیت‌های عملکردی آن. قم، مرکز تحقیقات، ۱۳۹۰.

خانم مارپل

شهین صادقی

آموزگار دبستان ستاره‌ی نبوت، آبادان

حدود سه هفته از سال تحصیلی گذشته بود، که گم شدن وسایل در کلاس آغاز شد. به‌وجود آمدن این مسئله موجب نگرانی گردید. هرچه بیشتر بچه‌ها را زیر نظر می‌گرفتم، کمتر به نتیجه می‌رسیدم. هیچ‌کدام از وسایل گم‌شده، در دست کسی دیده نمی‌شد. یک روز در زنگ ریاضی **مهرگان** که روی میز من مشغول کار بود، با احتیاط نگاهی به اطراف کرد و گفت: «خانم! اجازه می‌دهی که خانم مارپل کلاس شوم؟» منظورش را درک کردم. قاطعانه گفتم: «نه!» نگاهش در عمق چشمانم نفوذ کرد. خندید و به کارش ادامه داد. دستور بدون اجازه دست زدن به وسایل دیگران تا حدودی کارگر شد.

مدتی گذشت. برای انجام کاری مجبور به فروش انگشتری گران‌قیمت خود شدم. پس آن را در کیفم گذاشتم تا پس از تعطیلی مدرسه به پلافروشی بروم. مدیر مدرسه در جریان بود. به کلاس آمد. مسئله را پرسید. توضیح دادم که چه فکری دارم. زنگ سوم ورزش داشتیم. مهرگان تب خفیفی داشت. پذیرفتم در کلاس استراحت کند. بچه‌ها مشغول طناب‌بازی، توپ‌بازی و... بودند. چند نفر یکی-یکی اجازه‌ی رفتن به کلاس را خواستند و من پذیرفتم. زنگ آخر زده شد. با عجله کیف را از کمد برداشتم. هنگام خروج، مهرگان گفت: «خانم اجازه!» گفتم: «عزیزم عجله دارم، شما هم که حالت خوب نیست.» آستین مانتویم را کشید. چهره‌ای تبار داشت و ناگفته‌ای بر زبان! زانو زدم، دستم را زیر چانه‌اش گذاشتم و گفتم: «بگو عزیزم.» ناگهان مشت خود را باز کرد. چشمانم گرد شد: انگشتر من در دست تبار او؟ پرسیدم: «این انگشتر پیش تو چه می‌کند؟» خنده‌ی شیرینی کرد. سرخی ناشی از تب و دندان‌های ریخته زیبایی خاصی به چهره‌ی او می‌داد. پاسخ داد: «خانم مارپل مهرگان!...» و برایم تعریف کرد که او همان‌گونه که روی نیمکت خوابیده بوده، متوجه می‌شود که کسی به کلاس آمده و به بهانه‌ی برداشتن دستمال کاغذی از کمد، دست در کیف کرده است. او را صدا می‌زند و انگشتر را از او می‌گیرد و باقی ماجرا. او به مهرگان قول می‌دهد که اگر اسمش را فاش نکند، کار خود را تکرار نخواهد کرد. او را بوسیدم و خنده‌کنان پرسیدم: «خانم مارپل، حالا بگو کی بود؟ سرش را به نشانه‌ی علامت منفی تکان داد و گفت: خانم اجازه! مطمئن باش چیزی در کلاس ما گم نخواهد شد. چون ما دو نفر به هم قول داده‌ایم.» همه رفته بودند و من متحیر و خانم مارپل تبار مانده بودیم. از آن پس تا پایان سال چیزی در کلاس گم نشد.

هماهنگی

نوشته‌ی لئو بوسکالیا

مترجم: مونا قائمی

با تضادهای جامعه

را می‌شناسید؟ و پسرک به خودش گفته بود: «آره! یادم می‌مونه. باید همین کار رو کرد.» و این پسر کوچولو، موقع ناهار، درخت مدرسه را گرفته و صاف از آن بالا رفته بود! ناظم مدرسه هم که از آن‌جا می‌گذشت، او را دیده و از درخت پایین کشیده و با یک اردنگی از مدرسه بیرون انداخته بود. گفتم: «ای داد و ببیادا! حتماً اشتباهی شده، حتماً سوءتفاهمی شده!»

و رفتم که با ناظم مدرسه صحبت کنم. سردر نمی‌آورم که چرا همیشه ناظم‌های مدرسه، مربی پرورش اندام هم هستند. به دفتر مدرسه رفتم. آقای ناظم با عضلات ورق‌نپسیده، آن‌جا نشسته بود. همین که گفتم من دکتر بوسکالیا هستم، سرش را بلند کرد و چپ‌چپ نگاهی به من انداخت و گفت: «شما همون معلمی هستین که به بچه‌های مردم گفتین از درخت برن بالا؟ واقعا که اسباب دردسرین.» آمدم بگویم گمانم سوءتفاهم کوچکی شده که فریاد زد: «شما واقعا مزاحمید.»

خب! اصلاً نمی‌شد با او کنار آمد؛ برای همین به خانه‌ی پسرک رفتم که حالا دو هفته‌ی تمام آزاد بود که از هر درختی که دلش می‌خواهد بالا برود! او به من گفت: «گمانم از این ماجرا یاد گرفتم کی از درخت بالا بروم، کی بالا نرم، مرد! گمانم برداشت درستی از حرف‌ها نکرده. مگه نه؟»

طلقاً عجب کار سختی در پیش داشت. او می‌خواست به حرف‌های من گوش بدهد و در عین حال، خودش را با ناظم مدرسه هم تطبیق بدهد و این واقعا کار قهرمانانه‌ای بود! البته تازگی‌ها شنیده‌ام که هنوز هم از درخت بالا می‌رود، منتهی نه جلوی روی ناظم! انگار خوب یاد گرفته در جامعه‌ای که برای یک چیز ساده، دو جور حکم متضاد صادر می‌کنند، چه جور زندگی کند و این خودش نبوغ زیادی می‌خواهد!

تازگی‌ها تجربه‌ی محشری داشتیم. با گروهی از بچه‌های تیزهوش یکی از مدارس کالیفرنیا صحبت می‌کردم و طبق معمول پرت و پلا می‌گفتم. آن‌ها هم با چسب دوقلو، سرچاهایشان چسبیده بودند و من هم حساسی فکرم گرم شده بود. بعد از کلاس، همکارانم مرا به ناهار دعوت کردند. وقتی برگشتم، یکی از بچه‌ها با عجله نزد من آمد و گفت: «دکتر

بوسکالیا! اتفاق وحشت‌ناکی افتاده است. آن پسری را که درست روبه‌روی شما نشسته بود، یادتان هست؟» گفتم: «البته! هیچ وقت فراموشش نمی‌کنم. خیلی میخ حرف‌هایم شده بود!» او گفت: «خب! برای دو هفته از مدرسه اخراجش کردند.» پرسیدم: «چرا؟» و او جواب داد: «برای این که از درخت مدرسه رفته بود بالا.»

یادم آمد که در حرف‌هایم گفته بودم: «اگر واقعا می‌خواهید از چیزی سر در بیاورید، باید آن را تجربه کنید. اگر واقعا می‌خواهید بدانید درخت چه‌جور چیزی است، باید از آن بالا بروید، آن را لمس کنید، روی شاخه‌هایش بنشینید و به صدای باد که در میان شاخ و برگ‌هایش می‌پیچد، گوش بدهید. آن وقت می‌توانید بگویید که درخت

